

آخرین نطق سالوادور آنده

در رادیو ماگالانس ساعت ۹/۳۰

هموطنان یقیناً این آخرین باری است که من می توانم با شما سخن بگویم. آنتن های فرستنده‌ی رادیو پورتالس و رادیو کورپوراسیونس بمباران شده اند. در واژه های من اثری از تلخی نیست، تنها متأسفم. باشد تا کلمات من وجدان آنان را که سوگند خود را زیر پا گذاشتند مجازات کند. سرپازان شیلی، آدمیرال مرینو که خود را فرمانده می خواند، آقای مندوزا ژنرال بزدلی که تا دیروز به دولت تعهد وفاداری داده بود همچون خلف خود، نام فرمانده را بر خود گذاشته است. در این شرایط تنها می خواهم به کارگران بگویم: من تسلیم نمی شوم. من در شرایط سخت تاریخی قرار گرفته ام، من آماده ام بهای صداقتم به مردم را به بهای جانم پاس دارم و به شما قول می دهم که دانه ای که با اراده ناب هزاران شیلیایی کاشته شده است، هیچگاه خفه نمی شود. ارتش قدرت را در دست دارد، آنان می توانند مردم را به بردگی بکشند، اما نمی توانند روند رشد اجتماعی را نه با خشونت و نه با جنایت مانع شوند. تاریخ از آن ماست. تاریخ را مردم می سازند. کارگران سرزمین مادری من/سپاس، برای اعتماد و یکدلی با مردی که تمام تلاش خود را کرد تا زبان میل بزرگ رسیدن به عدالت باشد، مردی که قول داده بود به قانون و مصوبه های آن احترام بگذارد و به عهد خود وفا کرد. در این لحظه‌ی سرنوشت ساز، زمانی که من برای آخرین

بار امکان سخن گفتن با شما را دارم، از شما می خواهم که از تجربه هایتان پند بگیرید.

سرمایه های خارجی، امپریالیزم با همیاری و تأیید ژنرال اشنايدر و میجر آریا، که هر دو به لطف مبارزات اجتماعی ی مردم امروز حاشیه نشین شده اند و امیدوارند تا به کمک دلالتان و واسطه ها دوباره قدرت را به دست آورند تا از املاک و منافع خود دفاع کنند/ فضایی را ایجاد کرده اند تا نیروهای مسلح سنت شکنی کنند. روی سخنم با شماست، به ویژه آن زن بی توقع کشور ما، زن کشاورزی که به ما اعتماد کرد، زن کارگری که سخت تر از پیش کار کرد، مادرانی که می دانستند ما برای بهزیستی ی کودکان کار کردیم. روی سخنم با آن وطن پرستان آزاده ی مزدبگیر این کشور است، آنان که تن به اعتصابی ندادند که به وسیله ی اتحادیه پُرنفوذ صاحبان سرمایه/این سندیکای ی جامعه ی طبقاتی که حافظ منافع خود در جامعه ی طبقاتی هستند/سازماندهی شده بود. روی سخنم با جوانی است که آواز خواند و شادی و توان مبارزه اش را با ما قسمت کرد. روی سخنم با آن مرد شیلیایی/با کارگر/کشاورز/روشنفکر/آنان که توسط فاشیسمی که ساعت هاست با ترور و مین گذاری ی پل ها، راه آهن ها و تخریب لوله های نفت و گاز در کشور ما حضور یافته است، تحت تعقیب قرار خواهند گرفت. تاریخ درباره آنان که لب فرو بستند قضاوت خواهد کرد.

یقیناً رادیو ماگالانس خاموش خواهد شد و صدای ی حنجره ام به شما نخواهد رسید.

اما هیچ فرقی نمی کند، شما آن را خواهید شنید. من همیشه با شما خواهم بود و همیشه به مثابه ی انسانی باوجدان در خاطره ها خواهم ماند. کسی که به شما وفادار ماند و به دموکراسی اعتقاد داشت. مردم باید از خود دفاع کنند اما

نه این که قربانی شوند. مردم نباید کمر خم کرده و درهم شکسته شوند، اما نباید اجازه دهند که تحقیر شوند. کارگران سرزمین پدرانم! من به شیلی و آینده اش ایمان دارم.

شیلیایی های دیگری به جای ما خواهند آمد و بر این لحظه ی تاریک و تلخ پیروز خواهند شد آنگاه که خیانت به آخر راه خود می رسد. آگاه باشید که دیر یا زود در آینده ایی نه چندان دور جاده ها و گذرگاه ها دوباره گشوده خواهند شد و انسان های آزاد، جامعه ای نوین و بهتر خواهند ساخت. زنده باد شیلی، زنده باد مردم، زنده باد کارگران این آخرین خطابه ی من است. من یقین دارم که تلاش من بیهوده نبوده است. من ایمان دارم که در هر صورت این تصمیم اخلاقی ی من مجازات، سست اعتقادی، بزدلی و خیانت است.

منبع: سایت اینترنتی کار

بازنویس: یاشار آذری

آدرس اینترنتی کتابخانه: <http://www.nashr.de>

ایمیل یاشار آذری: yasharazarri@gmail.com

مسئول نشر کارگری سوسیالیستی: یاشار آذری